

گزارش سالانه حقوق بشر

ایران و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

سال میلادی ۲۰۲۱

AMNESTY
INTERNATIONAL



عفو بین الملل یک جنبش جهانی با عضویت بیش از

۱۰ میلیون نفر است و اعضای آن برای تحقق جهانی

مبارزه می کنند که همگان در آن از حقوق بشر برخوردار باشند.

دیدگاه ما این است که همگان باید از تمام حقوق

تصریح شده در «اعلامیه جهانی حقوق بشر»

و سایر موازین بین المللی حقوق بشر برخوردار باشند.

ما بدون وابستگی به هر دولت یا هر گونه ایدئولوژی سیاسی

و فارغ از هر گونه منافع اقتصادی یا گرایش های مذهبی

عمل می کنیم و هزینه های ما عمدتاً از طریق کمک های مالی

اعضا و سایر اشخاص و نهادها تأمین می شود.

به استثنای مواردی که به طور مشخص ذکر شده باشند، متن این گزارش تحت قوانین «Creative Commons» (ارجاع، مقصد غیر تجاری، بدون اشتقاق، بین المللی، نسخه ۴.۰) قرار دارد.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً به صفحه مجوزها در وبسایت ما رجوع کنید:

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/legalcode>

اگر بخشی اعم از متن یا عکس به یک صاحب حقوق متفاوت از سازمان عفو بین الملل نسبت داده شده باشد، آن بخش دیگر تحت قوانین «Creative Commons» قرار نمی گیرد.

این گزارش در سال ۲۰۲۲ (۱۴۰۱) توسط عفو بین الملل منتشر شده است.

**AMNESTY
INTERNATIONAL**



شماره ایندکس: MDE 13/5366/2022

زبان متن اصلی: انگلیسی

فهرست

پیش‌گفتار	۴
۱. منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا	۵
۱.۱ حق سلامت	۶
۱.۲ آزادی بیان	۶
۱.۳ حق حریم خصوصی	۷
۱.۴ مدافعان حقوق بشر و آزادی تشکل	۸
۱.۵ اعتراضات و استفاده غیرقانونی از قوای قهریه	۸
۱.۶ حقوق بازداشت‌شدگان	۹
۱.۷ شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها	۹
۱.۸ مجازات اعدام	۱۰
۱.۹ مصونیت از مجازات و دستیابی به عدالت	۱۰
۱.۱۰ آپارتاید	۱۱
۱.۱۱ منازعات مسلحانه	۱۱
۱.۱۲ حقوق پناهندگان، پناهجویان، مهاجران و آوارگان داخلی	۱۲
۱.۱۳ حقوق کارگران	۱۳
۱.۱۴ حقوق زنان و کودکان دختر	۱۳
۱.۱۵ حقوق افراد همجنسگرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی	۱۴

۱۶. ۱. اقلیت‌های مذهبی و اتنیکی ۱۴
۲. ایران ۱۶
- ۲.۱. پس‌زمینه ۱۶
- ۲.۲. آزادی بیان، شکل و تجمع ۱۷
- ۲.۳. شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی ۱۸
- ۲.۴. تبعیض ۱۹
- ۲.۴.۱. زنان و دختران ۱۹
- ۲.۴.۲. اعضای جامعه همجنسگرا، دوجنسگرا، فراجنسیتی و بیناجنسی ۲۰
- ۲.۴.۳. اقلیت‌های اتنیکی ۲۰
- ۲.۴.۴. اقلیت‌های مذهبی ۲۱
- ۲.۵. حق سلامت ۲۲
- ۲.۶. مجازات اعدام ۲۲
- ۲.۷. مصونیت مسئولان نقض حقوق بشر از مجازات ۲۳

پیش‌گفتار

گزارش پیش‌رو ترجمه فارسی بخش مرور اجمالی وضعیت حقوق بشر در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا و بخش ایران در گزارش جهانی سال ۲۰۲۱ سازمان عفو بین‌الملل است. نسخه اصلی گزارش جهانی، که به زبان انگلیسی تهیه شده است، نمایی از وضعیت حقوق بشر در ۱۵۴ کشور جهان طی سال میلادی ۲۰۲۱ ارائه می‌دهد و بر مبنای موضوعات مختلف حقوق بشری دسته‌بندی شده است.

۱. منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

در دومین سال همه‌گیری کرونا، به استثنای چند کشور عربی حوزه خلیج فارس، دولت‌های منطقه همچنان در اولویت‌دهی به مراقبت‌ها و خدمات درمانی مناسب، به ویژه دسترسی به واکسیناسیون، قصور کردند.

حق آزادی بیان تحت محدودیت‌های شدید باقی ماند و دولت‌ها با طرح لوایح جدید سعی کردند بیش از پیش استفاده از حق آزادی بیان را جرم‌انگاری کنند. دولت‌ها به سانسور اینترنت و سرمایه‌گذاری در تجهیزات نظارتی دیجیتال ادامه دادند. مدافعان حقوق بشر با تعقیب کیفری، زندان، محدودیت‌های اداری، تهدید و ارباب مواجه بودند. سازمان‌های جامعه‌ی مدنی شاهد جرم‌انگاری فعالیت‌هایشان بودند. در سرتاسر منطقه، نیروهای امنیتی از قوای قهریه غیرقانونی برای سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز استفاده کردند.

ازدحام بیش از حد و شرایط غیربهداشتی زندان‌ها، زندانیان این منطقه را در معرض خطر بالای ابتلا به بیماری کووید-۱۹ قرار داد، وضعیتی که در نتیجه مراقبت‌های درمانی ناکافی، شکنجه و سایر بدرفتاری‌های رایج در زندان‌ها تشدید شد.

اعضای نیروهای امنیتی، شبه‌نظامیان و گروه‌های مسلح که بنا بر شواهد و دلائل معقول، مظنون به ارتکاب جنایات بین‌المللی و نقض جدی حقوق بشر هستند همچنان از پیگرد قضایی و مجازات مصون ماندند.

طرف‌های درگیر در نزاع‌های مسلحانه در منطقه، مرتکب جنایات جنگی و سایر موارد نقض جدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه شدند. مقامات کمک‌های بشردوستانه به سوریه و یمن را محدود کردند که به وخامت بیش‌تر وضعیت از پیش اسفبار نظام مراقبت‌های درمانی انجامید. سایر قدرت‌های نظامی از طریق انتقال غیرقانونی تسلیحات نظامی و حمایت نظامی مستقیم از نیروهای متخاصم، به استمرار نقض حقوق بشر دامن زدند.

مقامات، اغلب بدون توجیه قانونی، به دستگیری و بازداشت پناهندگان و مهاجران، برای مدت‌های طولانی و بدون محدودیت زمانی، ادامه دادند. اردن و لبنان همچنان میزبان بیش از ۳ میلیون پناهنده از سوریه بودند، اما هزاران نفر از این پناهندگان اخراج شده و یا به دلیل طیفی از فشارهایی که به آن‌ها وارد شد به کشورشان بازگشتند. در سرتاسر منطقه، مقامات در زمینه حفاظت از کارگران کم‌درآمد در برابر خطر از دست‌دادن شغل یا دستمزد قصور کردند. کارگران مهاجر به طور ویژه آسیب‌پذیر بودند، به خصوص به دلیل وجود نظام «کفالت» در بسیاری کشورها که اقامت کارگر مهاجر در کشور مهمان را به اشتغال وی وابسته می‌کند.

مرتکبان آزار و اذیت جنسی، قتل‌های به اصطلاح «ناموسی» و سایر موارد خشونت علیه زنان همچنان از پیگرد قضایی و مجازات مصون ماندند و عدم تعهد دولت‌ها به پاسخگو کردن مرتکبان ادامه یافت.

مقامات حقوق انسانی افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی را به شدت سرکوب کردند. بسیاری به دلیل گرایش جنسی یا هویت جنسیتی واقعی یا مفروض‌شان دستگیر شده و برخی از مردان تحت معاینه اجباری مقعدی قرار گرفتند.

در سرتاسر منطقه، اعضای اقلیت‌های مذهبی و اتنیکی با تبعیض نهادینه مواجه بودند.

۱.۱ حق سلامت

در مصر، ایران، لیبی و تونس، توزیع واکسن کرونا با عدم شفافیت و عدم مشورت و نظرخواهی، تأخیر در اولویت‌بندی گروه‌های آسیب‌پذیر و عدم تضمین دسترسی برابر و عادلانه برای گروه‌های حاشیه‌ای - از جمله پناهندگان، مهاجران، آوارگان داخلی، زندانیان، بی‌خانمان‌ها و افراد فاقد مدارک هویت - همراه بود. دسترسی مردم به واکسن اغلب تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار گرفت. در ایران، تأخیر در عرضه واکسن عمدتاً به تصمیم رهبر کشور در ژانویه مبنی بر ممنوعیت استفاده از واکسن‌های تولید شده در بریتانیا و آمریکا نسبت داده شد. هنگامی که این ممنوعیت در ماه اوت برداشته شد، روند واکسیناسیون سرعت گرفت و تا پایان سال بیش از ۸۰ درصد از جمعیت دوز اول واکسن را دریافت کردند. در تونس، تا اواسط ژوئیه، آمار رسمی مرگ‌ومیر روزانه به ازای هر یک میلیون نفر، این کشور را در مقام دوم بالاترین میزان مرگ‌ومیر قرار داد، و به دلیل کمبود واکسن، فقط ۶ درصد از جمعیت واکسینه شده بودند. با این حال، پس از اینکه رئیس‌جمهور قیس سعید پارلمان را منحل کرد و اعلام اختیارات استثنایی کرد، برنامه واکسیناسیون سرعت گرفت و تا پایان سال، ۴۶ درصد از جمعیت واکسینه شدند. در نمونه‌ای از تبعیض نهادینه شده، اسرائیل حدود ۵ میلیون فلسطینی که تحت اشغال نظامی آن در کرانه باختری و غزه زندگی می‌کنند را از برنامه واکسیناسیون خود کنار گذاشت.

تونس و مراکش مدرک واکسیناسیون را برای همه افرادی که وارد فضای کار عمومی یا خصوصی می‌شوند و قصد سفر به خارج از کشور دارند اجباری کرد. در تونس، قانون مدرک واکسیناسیون باعث نقض حقوق دیگری شد و از جمله به کارفرمایان اجازه داد تا کارگران واکسینه‌نشده را بدون پرداخت دستمزد از کار معلق کنند.

به استثنای کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و اسرائیل، سال دوم همه‌گیری کرونا کاستی‌های سیستم‌های درمانی در سرتاسر منطقه و چالش‌های مرتبط با قابل‌دسترس بودن، با کیفیت بودن و متناسب با سطح درآمد بودن خدمات بهداشتی و پزشکی را آشکار کرد. در لبنان، دولت نتوانست از دسترسی به سوخت برای تداوم کار تسهیلات درمانی حیاتی، از جمله بیمارستان‌ها، اطمینان حاصل کند و در بحبوحه سقوط اقتصادی، هیچ طرح حمایتی اجتماعی ارائه نکرد. در ماه نوامبر، دولت لبنان بدون اطمینان از این که شهروندان، از جمله کسانی که از بیماری‌های مزمن و شدید رنج می‌برند، قادر به پرداخت قیمت فزاینده داروها خواهند بود، یارانه داروها را لغو کرد. در بودجه ملی مصر که در ماه ژوئن به تصویب رسید، بر خلاف الزامات قانونی اساسی، ۳ درصد از منابع به بخش سلامت اختصاص داده نشد و میزان هزینه کردن در بیمه‌های درمانی و دارو کاهش یافت.

دولت سوریه با محدود کردن ارسال کمک‌های بشردوستانه به شمال شرق سوریه، نقشی پررنگ در افزودن به کمبودهای دائمی در حوزه درمان در این منطقه داشت و این تأثیری مخرب بر بیماران سرطانی و دیابتی گذاشت. در لیبی، گروه‌های مسلح و شبه‌نظامیان به حملات خود به کارکنان خدمات درمانی و خدمات بشردوستانه ادامه دادند و چندین مرکز قرنطینه‌ی ویژه کرونا به دلیل آسیب یا کمبود تجهیزات و زیرساخت‌های ضروری تعطیل شد.

۱.۲ آزادی بیان

در سرتاسر منطقه، مقامات به دستگیری، بازداشت و محاکمه افراد صرفاً به خاطر استفاده آن‌ها از حق آزادی بیان‌شان ادامه دادند. مقامات اغلب از قوانین جانبدارانه و سلیقه‌ای که «توهین» به مقامات رسمی را جرم‌انگاری می‌کند برای برخورد با اظهارات انتقادآمیز، از جمله انتقاد نسبت به نحوه رسیدگی مقامات به همه‌گیری کرونا، استفاده کردند و

منتقدان را زندانی کردند.

دادگاهی در اقلیم کردستان عراق بر اساس قوانینی مبهم، پنج فعال و روزنامه‌نگار را به دلیل استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های روزنامه‌نگاری به شش سال حبس محکوم کرد. این در حالی است که دولت اقلیم کردستان تعقیب قضایی برای مطالب و عقایدی که افراد بیان می‌کنند را تحت لوای محافظت از «امنیت ملی» توجیه کرد.

در نمونه‌ای فجیع در عربستان سعودی، عبدالرحمن السدحان به دلیل توثیقات انتقادی‌اش درباره سیاست‌های اقتصادی دولت به ۲۰ سال حبس و ۲۰ سال ممنوعیت از سفر محکوم شد. در مراکش، جمیله سعدان، چهره شناخته شده در یوتیوب، پس از انتشار ویدیوهایی که مقامات را متهم به سرپوش گذاشتن بر شبکه‌های فحشا و قاچاق انسان می‌کرد به دلیل «توهین» به مؤسسات دولتی به سه ماه زندان محکوم شد. در الجزایر، مقامات با استفاده فزاینده از اتهامات مبهم مرتبط با تروریسم، افراد را فقط به خاطر بیان سیاسی یا فعالیت‌های مشروع‌شان مورد محاکمه قرار دادند.

دولت‌ها در سرتاسر منطقه با طرح لایحه‌های جدید سعی کردند آزادی بیان را بیش از پیش جرم‌انگاری کنند. در لیبی، پارلمان قانون جرایم سایبری را تصویب کرد که به شدت آزادی بیان در فضای مجازی را محدود می‌کند، نظارت و سانسور دولتی را مجاز می‌داند و برای انتشار مطالبی که از نظر مقامات «غیراخلاقی» تلقی می‌شوند مجازات زندان تعیین می‌کند. در مصر، رئیس جمهور قانونی را تصویب کرد که انتشار اطلاعات در مورد بیماری‌های همه‌گیر را بر اساس دلایلی که به شکی گنگ بیان شده‌اند، جرم‌انگاری می‌کند. مقامات ایرانی، شش نفر را به دلیل گردهم آمدن و گفت‌وگو در مورد امکان پیگیری اقدامات قانونی علیه مقامات به خاطر قصورشان در فراهم کردن واکسن‌های کرونا دستگیر کرده و تحت محاکمه کیفری قرار دادند. وزارت بهداشت تونس، به جز فهرست منتخبی از کارکنان بخش بهداشت عمومی، بقیه شهروندان را از صحبت علنی در مورد همه‌گیری کرونا منع کرد و آن‌ها را تهدید نمود که در صورت عدم رعایت، با اقدامات انضباطی یا پیگرد کیفری روبرو خواهند شد.

دولت‌ها در سرتاسر منطقه به سانسور اینترنت ادامه دادند. مقامات مصر و فلسطین بر مسدود کردن دسترسی به وبسایت‌ها پافشاری کردند و مقامات ایران دسترسی به شبکه‌های اجتماعی را مسدود کردند.

۱.۳ حق حریم خصوصی

دولت‌ها برای هدف قرار دادن مدافعان حقوق بشر هم‌چنان به سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در تجهیزات نظارتی و ردیاب دیجیتال مانند جاسوس‌افزار پگاسوس که توسط شرکت نظارتی NSO Group تولید می‌شود ادامه دادند. در ماه ژوئیه، ائتلافی متشکل از سازمان‌های خبری به نام «داستان‌های ممنوعه» با حمایت فنی عفو بین‌الملل میزان استفاده از جاسوس‌افزار پگاسوس در سرتاسر منطقه را فاش کرد و از دولت‌های بحرین، مراکش، امارات متحده عربی و عربستان سعودی به‌عنوان مشتریان بالقوه این جاسوس‌افزار نام برد. در ماه ژوئیه، دادگاهی در مراکش، عمر رادی، روزنامه‌نگاری که اغلب منتقد مقامات بود را پس از محاکمه‌ای که با استانداردهای بین‌المللی دادرسی عادلانه مطابقت نداشت، به اتهام جاسوسی و تجاوز به شش سال زندان محکوم کرد. او بین ژانویه ۲۰۱۹ و ژانویه ۲۰۲۰ توسط مقامات مراکش از طریق «رسوخ به شبکه» در گوشی آیفون خود، تحت نظارت مخفیانه قرار گرفته بود.

۱.۴ مدافعان حقوق بشر و آزادی تشکل

مدافعان حقوق بشر در سرتاسر منطقه همچنان بهای سنگینی را برای شجاعت خود پرداختند و مقامات هم به دنبال ساکت کردن و مجازات آن‌ها برای فعالیت‌هایشان بودند. مقامات عربستان سعودی، سرکوب بی‌امان مخالفان را با انبوهی از احکام از سرگرفتند: دادگاه‌ها پنج مدافع حقوق بشر را با اتهاماتی که صرفاً به فعالیت‌های حقوق بشری مربوط می‌شد، به حبس‌های متعدد تا حداکثر ۲۰ سال محکوم کردند. در بسیاری موارد، احکام زندان با ممنوعیت‌های طولانی از سفر همراه شد. در اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی فلسطینی، وزارت دفاع اسرائیل، شش سازمان مدنی برجسته‌ی فلسطینی را بر اساس اطلاعات سری که این سازمان‌ها نمی‌توانستند خود رؤیت کرده یا به چالش بکشند، به عنوان نهادهای «تروریستی» معرفی کرد و بدین ترتیب عملاً فعالیت آن‌ها را جرم‌انگاری کرده و آن‌ها را فلج ساخت. این در حالی بود که اسرائیل همچنان از ورود ناظران و بازرسان حقوق بشر بین‌المللی، از جمله سازمان ملل، جلوگیری می‌کند.

در مصر، مدافعان حقوق بشر همچنان در معرض تحقیقات کیفی مرتبط با انگیزه‌های سیاسی، شروط فراقضایی برای آزادی، حبس ناعادلانه، ممنوعیت سفر، مسدود شدن دارایی‌ها و قرار گرفتن خودسرانه در «فهرست تروریست‌ها» باقی ماندند و بدین ترتیب از پیگیری فعالیت‌های مدنی‌شان بازداشته شدند. در لیبی، شبه‌نظامیان و گروه‌های مسلح در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری، حملات خود را علیه فعالان جامعه مدنی از طریق آدم‌ربایی، تهدید و ارباب تشدید کردند و انتخابات دو روز مانده به تاریخ برگزاری در ۲۲ دسامبر، به تاریخی نامشخص در آینده موکول شد.

۱.۵ اعتراضات و استفاده غیرقانونی از قوای قهریه

با وجود اینکه در موارد متعددی، دولت‌ها به عنوان بخشی از اقدامات‌شان علیه کرونا تجمعات عمومی را ممنوع کردند، مردم در طی سال در بسیاری از کشورهای منطقه، عموماً برای مطالبه حقوق اجتماعی-اقتصادی خود، دست به برگزاری تظاهرات زدند. در تونس، پلیس بیش از ۱۵۰۰ نفر را در جریان موج تظاهرات ماه ژانویه دستگیر کرد. جنبش‌های اعتراضی در الجزایر، عراق و لبنان در طول سال در حالی ادامه یافت که معترضان تنها به دلیل شرکت در تظاهرات مسالمت‌آمیز با دستگیری، ضرب‌وشتم و بعضاً محاکمه مواجه شدند.

نیروهای امنیتی در سرتاسر منطقه از قوای قهریه غیرقانونی برای متفرق کردن معترضان استفاده کردند. در ایران، نیروهای امنیتی از قوای قهریه غیرقانونی، از جمله شلیک گلوله جنگی و شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای شکاری، برای سرکوب اعتراضات عمدتاً مسالمت‌آمیز استفاده کردند که منجر به کشته شدن حداقل ۱۱ نفر و همینطور مجروح شدن صدها نفر شد و تعدادی بینایی خود را از دست دادند. نیروهای امنیتی همچنین دست به دستگیری خودسرانه و گسترده معترضان و شاهدان حاضر در صحنه زدند و دسترسی به اینترنت را در جریان اعتراضات محدود نمودند. در عراق، مقامات اقلیم کردستان بیش از ۱۰۰ نفر را به دلیل شرکت در تظاهرات دستگیر کردند. بین ماه‌های ژانویه و مه، نیروهای امنیتی عراق برای متفرق کردن تظاهرکنندگان از قوای قهری، از جمله شلیک گلوله‌ی جنگی، به شکل نابه‌جا استفاده کردند. در لبنان، در یک اتفاق نادر در ماه ژانویه، سرویس‌های امنیتی پس از وقوع درگیری‌های مرتبط با فروپاشی اقتصادی در کشور، از گلوله‌های جنگی در شهر شمالی طرابلس استفاده کردند، ده‌ها نفر را بازداشت کردند و متعاقباً آن‌ها را در دادگاه‌های نظامی محاکمه کردند. مقامات اردن با استفاده از مقادیر زیادی گاز اشک‌آور و سایر قوای قهریه با معترضانی که علیه وخامت شرایط اقتصادی کشور گردهم آمده بودند برخورد کردند. آن‌ها همچنین

اعضای اتحادیه صنفی معلمان را برای جلوگیری از یک راهپیمایی همبستگی معلمان دستگیر کردند.

در ماه مه و ژوئن، پلیس اسرائیل علیه فلسطین‌های دارای تابعیت اسرائیل که در اعتراض به تخلیه منازل در بیت‌المقدس شرقی و حملات نظامی به غزه تظاهرات می‌کردند، از قوای قهریه به شکل نابه‌جا استفاده و سازمان‌دهندگان و شرکت‌کنندگان تظاهرات را به صورت گسترده دستگیر کرد. بیشتر دستگیرشدگان به تخلفات غیرمرتبط با خشونت متهم شدند. مرگ در حین بازداشت یکی از منتقدان برجسته‌ی مقامات فلسطینی کرانه باختری، منجر به تظاهرات در شهرهای فلسطینی شد، تظاهراتی که مقامات با استفاده غیرضروری و نابه‌جا از قوای قهریه به آن پاسخ دادند. در جریان این وقایع، تظاهرکنندگان و رهگذاران دستگیر شدند و ادعا شده که توسط مقامات اسرائیلی مورد شکنجه قرار گرفتند.

۱.۶ حقوق بازداشت شدگان

در چندین کشور منطقه، زندانیان در شرایط بی‌رحمانه و غیرانسانی نگهداری شدند که مشخصه‌های اصلی آن ازدحام بیش از حد، تهویه بد، بهداشت نامناسب و کمبود غذا و آب کافی بود. مجموعه این عوامل، خطر ابتلا به بیماری کووید-۱۹ و سایر بیماری‌های عفونی را برای زندانیان بالا برد. شیوه‌های بازداشت خودسرانه، از جمله بازداشت‌های طولانی‌مدت پیش از محاکمه و بدون امکان تجدیدنظرخواهی (همچون مثال مصر)، بازداشت نامحدود مهاجران (همچون مثال لیبی) یا بازداشت اداری (همچون مثال اسرائیل و فلسطین) به ازدحام جمعیت دامن زد. در برخی از کشورها، در دوران قرنطینه‌های مرتبط با همه‌گیری کرونا و گاهی ورای آن، زندانیان از حق ملاقات با خانواده‌هایشان محروم شدند بدون آن‌که روش‌های جایگزین برای ارتباط آن‌ها با نزدیکانشان ارائه شود.

در سرتاسر منطقه، مقامات در زمینه ارائه مراقبت‌های پزشکی کافی به زندانیان مرتکب قصور شدند و گاهی، محرومیت از درمان به طور عمد و به عنوان مجازات مخالفان صورت گرفت. بسیاری از دولت‌ها واکسیناسیون به موقع زندانیان را تضمین نکردند. در ایران، واکسیناسیون زندانیان تا ماه اوت آغاز نشد. در مصر، برخی از کسانی که حبس‌شان دلایل سیاسی داشت عاقدانه از برنامه واکسن زندانیان کنار گذاشته شدند. در میان آن‌ها زندانیانی بودند که به دلیل سن بالاتر یا بیماری‌های زمینه‌ای در معرض خطر بیشتری قرار داشتند.

۱.۷ شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها

شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و تزدیلی در بازداشتگاه‌های رسمی و غیررسمی در حداقل ۱۸ کشور اعمال شد، از جمله در جریان بازجویی برای اخذ «اعتراف» و هنگام نگهداری نامحدود در سلول‌های انفرادی که شرایطشان وخیم بود. مقامات مصر، ایران، لیبی و عربستان سعودی از انجام تحقیقات درباره علل و شرایط پیرامون مرگ‌های مشکوک در حین بازداشت سرباز زدند در حالی که بنابر گزارشات، زندانیان در پی شکنجه، از جمله محرومیت عمدی از مراقبت‌های پزشکی، جان باختند. در لبنان، اعمال شکنجه علیه ۲۶ نفر از پناهجویان سوری، از جمله چهار کودک، توسط افسران اطلاعاتی نظامی و سایر مسئولان گزارش شد. حتی زمانی که بازداشت‌شدگان به دادگاه گفتند که شکنجه شده‌اند، مقامات ادعاهای شکنجه را بررسی نکردند. نزار بنات، منتقد سیاسی برجسته، پس از دستگیری و شکنجه توسط ماموران «نیروی امنیتی پیشگیرانه فلسطینی» در الخلیل، در جنوب کرانه باختری، در حین بازداشت جان باخت. بر اساس نتایج کالبد شکافی، شکستگی، کبودی و ساییدگی در سرتاسر بدن وی مشاهده شد.

در قوانین کیفری چندین کشور منطقه، مجازات‌های بدنی، از جمله شلاق، قطع عضو، کورکردن، سنگسار و به صلیب کشیدن، همچنان حفظ شد. احکام شلاق در ایران و لیبی به اجرا گذاشته شد.

۱.۸ مجازات اعدام

کشورهای منطقه مجازات اعدام را در قوانین کیفری خود حفظ کردند، از جمله برای جرائمی به غیر از قتل عمد و همین‌طور برای اعمالی نظیر رابطه‌ی جنسی رضایتمدانه با هم‌جنس که تحت حمایت قوانین بین‌المللی قرار دادند. احکام اعدام پس از محاکمه‌های به شدت ناعادلانه توسط دادگاه‌های ضدتروریستی، نظامی، اضطراری یا دادگاه‌های انقلاب در مصر، ایران، لیبی و عربستان سعودی صادر شد. در حداقل شش کشور، احکام اعدام به اجرا گذاشته شد و در مواردی، زندانیان به صورت مخفیانه و بدون ملاقات آخر با خانواده‌شان اعدام شدند.

در ایران و عربستان سعودی، مردان جوانی که در زمان وقوع جرم انتسابی زیر ۱۸ سال سن داشتند توسط مقامات اعدام شدند.

۱.۹ مصونیت از مجازات و دستیابی به عدالت

در سرتاسر منطقه، اعضای نیروهای امنیتی، شبه‌نظامیان و گروه‌های مسلح که بنا بر شواهد و دلائل منطقی به ارتکاب جنایات بین‌المللی و نقض جدی حقوق بشر - از جمله قتل، شکنجه، ناپدیدسازی قهری و تجاوز جنسی - مظنون بودند، از پیگرد قضایی و مجازات مصون ماندند. در لیبی، فرماندهان و اعضای شبه‌نظامیان و گروه‌های مسلح ناقض حقوق بشر، از جمله گروه‌هایی که تحت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل قرار دارند، توسط مقامات به بدنه‌ی دولت راه داده شدند، به سمت‌های مختلف منصوب گشتند و یا ارتقای شغلی گرفتند. سیفالاسلام فذافی که توسط دیوان کیفری بین‌المللی به دلیل نقشش در سرکوب خشونت‌آمیز تظاهرات علیه حکومت پدرش در سال ۲۰۱۱ تحت تعقیب است، همچنان از دستان عدالت گریخت و خود را به عنوان نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری کاندید کرد. در ایران، ابراهیم رئیسی به جای اینکه در رابطه با جنایات علیه بشریت مربوط به ناپدیدسازی‌های قهری و اعدام‌های فراقضایی سال ۱۳۶۷ تحت تحقیقات کیفری قرار بگیرد به مقام ریاست جمهوری رسید. در لبنان، مقامات در طول سال مکرراً مانع از پیشبرد تحقیقات درباره انفجار بندر بیروت شدند و اقدامات متعددی برای محافظت از سیاستمداران و مقامات در برابر احضار شدن توسط قاضی در حال تحقیق پرونده انجام دادند.

در تونس، به دنبال انحلال پارلمان توسط رییس‌جمهور قیس سعید در ماه ژوئیه، در افزایشی آشکار نسبت به سال‌های قبل، ۱۰ غیرنظامی توسط دادگاه‌های نظامی محاکمه شدند و در چهار مورد، انتقاد از رئیس‌جمهور دلیل محاکمه بود. ده محاکمه علیه اعضای نیروهای امنیتی متهم به نقض حقوق بشر برای سومین سال بدون صدور حکم به درازا انجامید؛ این محاکمه‌ها بخشی از روند عدالت انتقالی در تونس بوده‌اند.

در سطح بین‌المللی، اقداماتی در راستای تضمین پاسخگویی انجام شد. در ماه اکتبر، شورای حقوق بشر سازمان ملل، مأموریت کمیته‌ی حقیقت‌یاب برای تحقیق در مورد جنایات بین‌المللی صورت گرفته در لیبی از سال ۲۰۱۶ را تمدید کرد. در ماه اوت، تحت اصل صلاحیت جهانی، محاکمه‌ی حمید نوری، مقام سابق ایرانی، که در سوئد به اتهام دست داشتن در کشتار تابستان ۱۳۶۷ بازداشت شده بود آغاز شد.

حداقل چهار کشور اروپایی از طریق دادگاه‌های ملی خود افرادی را که مظنون به ارتکاب جنایات جنگی یا سایر جنایات بین‌المللی در سوریه بودند، مورد تحقیق و پیگرد قرار دادند. در ماه فوریه در آلمان، یک افسر امنیتی سابق سوری به جرم جنایت علیه بشریت از طریق معاونت در شکنجه معترضان بازداشت شده در دمشق محکوم شد.

با این حال، در اقدامی واپس‌گرا، لابی‌گری شدید عربستان سعودی و بحرین منجر به انحلال گروه کارشناسان برجسته‌ی بین‌المللی و منطقه‌ای سازمان ملل در مورد یمن شد که تنها سازوکار بین‌المللی و بی‌طرفانه تحقیقاتی برای رسیدگی به نقض حقوق بشر در آن کشور بود.

۱.۱۰ آپارتاید

اسرائیل از طریق تکه‌پاره کردن اراضی، جداسازی نژادی، اعمال کنترل، سلب مالکیت زمین و دارایی‌های فلسطینی‌ها و انکار حقوق اقتصادی و اجتماعی‌شان نظامی مبتنی بر سرکوب و سلطه بر فلسطینیان را حفظ کرد که مصداق آپارتاید بود. آپارتاید نقض حقوق بشر و یک تخلف بین‌المللی است. اسرائیل با هدف حفظ این نظام، دست به اقدامات غیرقانونی علیه فلسطینیان زد، از جمله انتقال اجباری، بازداشت اداری و شکنجه، قتل، محرومیت از حقوق و آزادی‌های اولیه و آزار و تعقیب که جملگی مصداق جنایت علیه بشریت آپارتاید هستند.

۱.۱۱ منازعات مسلحانه

سال‌ها درگیری مسلحانه و نامنی همچنان زندگی غیرنظامیان را در عراق، لیبی، سوریه و یمن تحت تأثیر قرار داد. در این مناطق، نواصانات سطح خشونت توسط عوامل دولتی و غیردولتی بازتاب‌دهنده‌ی ائتلاف‌ها و جبهه‌بندی‌های در حال تغییر و منافع حامیان خارجی این درگیری‌ها بود. عوامل متعدد درگیر در این منازعات مسلحانه مرتکب جنایات جنگی و سایر موارد نقض جدی قوانین انسان‌دوستانه و قوانین بین‌المللی حقوق بشر شدند.

تقریباً همه طرف‌های درگیر با بمباران مناطق مسکونی با توپ، خمپاره و راکت و در صورت داشتن توان نظامی هوایی، با استفاده از حملات هوایی دست به حملاتی زدند که بین اهداف نظامی و غیرنظامی تمایز قائل نمی‌شدند و این حملات به کشته و زخمی شدن غیرنظامیان انجامید. در لیبی، در حالی که آتش‌بس ملی عمدتاً پابرجا ماند، درگیری‌های محلی پراکنده بین گروه‌های مسلح و شبه‌نظامیان در مناطق مسکونی منجر به تلفات غیرنظامیان و آسیب رسیدن به زیرساخت‌های غیرنظامی شد. در یمن، ائتلاف به رهبری عربستان سعودی و همچنین نیروهای حوثی به انجام حملات غیرقانونی ادامه دادند که منجر به کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر از غیرنظامیان شد و از جمله اردوگاه‌های آوارگان داخلی و اماکن غیرنظامی مانند تأسیسات توزیع مواد غذایی مورد هدف قرار گرفتند. در سوریه، دولت با حمایت نیروهای روسیه، حملاتی را در شمال غرب سوریه انجام داد که به ساختمان‌های مسکونی، بازارها و بیمارستان‌ها آسیب رساند.

انتقال سلاح‌هایی که در ارتکاب جنایات جنگی و سایر موارد نقض حقوق بین‌الملل به کار گرفته شدند همچنان ادامه یافت. روسیه، ترکیه و امارات متحده عربی با حفظ جنگجویان خارجی و تجهیزات نظامی در لیبی، تحریم تسلیحاتی سازمان ملل علیه لیبی را نقض کردند. در ماه اکتبر، خودروهای زرهی تولید و صادر شده از امارات متحده عربی در حملاتی علیه پناهجویان و مهاجران در طرابلس مورد استفاده قرار گرفتند.

محدود کردن دسترسی به کمک‌های بشردوستانه در لیبی و سوریه هم‌چنان تاکتیک برخی از طرفین درگیر بود. حملات پراکنده با انگیزه‌های سیاسی به زیرساخت‌های آبی توسط گروه‌های مسلح در لیبی بر دسترسی میلیون‌ها لیبیایی به آب تأثیر گذاشت. در سوریه، نیروهای دولتی، هزاران غیرنظامی را در شهر درعا بین ژوئن تا سپتامبر محاصره کردند و مانع از آن شدند که سازمان‌های امدادی غذا، تجهیزات پزشکی و سایر کمک‌های حیاتی به آن منطقه ارسال کنند.

در جریان درگیری مسلحانه در ماه مه، اسرائیل و گروه‌های مسلح فلسطینی آشکارا مرتکب جنایات جنگی در نوار غزه شدند. حداقل ۲۴۲ فلسطینی از جمله ۶۳ کودک کشته و هزاران نفر زخمی شدند. بیش از ۷۴۰۰۰ فلسطینی آواره شدند. گروه‌های مسلح فلسطینی در نوار غزه، بدون تمایزگذاری بین اهداف نظامی و غیرنظامی، هزاران راکت به سمت اسرائیل شلیک کردند که اکثر آن‌ها توسط اسرائیل رهگیری شد. با این وجود، حملات مذکور منجر به کشته‌شدن ۱۳ نفر در اسرائیل شد.

۱.۱۲ حقوق پناهندگان، پناهجویان، مهاجران و آوارگان داخلی

مقامات به دستگیری و بازداشت نامحدود پناهندگان و مهاجران ادامه دادند، آن‌هم اغلب بدون وجود دلایل قانونی یا بدون صدور اجازه به بازداشت‌شدگان برای به چالش کشیدن قانونی بودن بازداشت‌شان. در ماه اکتبر، نیروهای امنیتی لیبی و شبه نظامیان مستقر در طرابلس از قوای قهریه مرگبار و سایر اعمال خشونت‌آمیز برای دستگیری خودسرانه بیش از ۵۰۰۰ مرد، زن و کودک اهل کشورهای جنوب صحرای آفریقا استفاده کردند.

در لیبی، یمن و عربستان سعودی، عوامل دولتی و غیردولتی همچنان مرتکب جرایم متعددی علیه پناهندگان و مهاجران شدند، از جمله قتل، بازداشت‌های خودسرانه نامحدود و نگهداری در شرایطی خطرناک برای سلامت و حیات، تجاوز و سایر خشونت‌های جنسی و دیگر انواع شکنجه و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی. در لیبی، هزاران نفر توسط گارد ساحلی لیبی که مورد حمایت اتحادیه اروپاست به اجبار از قایق‌ها پیاده شده و به دنبال آن قربانی ناپدیدسازی قهری شدند، در حالی که حداقل ۲۸۳۹ نفر به اجبار و بدون طی روند قانونی از کشور اخراج و در مرزهای زمینی با چاد، مصر و سودان رها شدند. در یمن، مقامات حوثی به طور خودسرانه صدها مرد، زن و کودک مهاجر را که عمدتاً اتباع اتیوپی و سومالی بودند، در شرایط نامساعد برای مدت‌های نامحدود بازداشت کردند. در ماه مارس، در پاسخ به اعتصاب غذای مهاجران ساکن در یک زندان، مقامات ساختمان زندانی که در آن ۳۵۰ مهاجر محبوس بودند را گلوله‌باران کردند که منجر به آتش گرفتن آن و کشته شدن ۴۶ مرد زندانی شد. در ماه ژوئن، امارات دست کم ۳۷۵ کارگر مهاجر آفریقایی را به‌طور خودسرانه بازداشت کرد، آن‌ها را تا ۶ هفته در شرایط نامناسب بدون حق ارتباط با جهان بیرون نگه داشت، تمام دارایی‌هایشان را از آن‌ها گرفت و سپس آن‌ها را اخراج کرد. نیروهای دولتی سوریه، پناهجویان از جمله کودکان را که بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ به سوریه بازگشته‌اند تحت ناپدیدسازی قهری، بازداشت خودسرانه، تجاوز و دیگر خشونت‌های جنسی و سایر انواع شکنجه و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی قرار دادند.

در قطر، مقامات به طور مناسب درباره دلایل و شرایط پیرامون مرگ کارگران مهاجر تحقیقات انجام ندادند. در یک دهه گذشته، هزاران نفر از این کارگران به طور ناگهانی و غیرمنتظره، با وجود گذراندن آزمایشات پزشکی اجباری قبل از سفر به این کشور جان باخته‌اند. این قصور باعث شد تا مشخص نشود آیا دلیل مرگ مربوط به کار بوده یا نه و در نتیجه خانواده‌های داغدار کارگران را از امکان دریافت غرامت از کارفرما یا مقامات محروم کرد. در مصر،

مقامات ۴۰ اریتره‌ای را بدون طی روند قانونی یا اعطای فرصت درخواست پناهندگی به زور به اریتره بازگرداندند.

در لیبی، سوریه و عراق، ده‌ها هزار آواره‌ی داخلی به دلیل ناامنی، ترس از انتقام‌جویی یا فقدان خدمات ضروری نتوانستند به خانه‌هایشان بازگردند. آن‌ها با موانع بیشتری در دسترسی به مراقبت‌های درمانی از جمله واکسن کرونا، آموزش، مسکن و فرصت‌های شغلی مواجه بودند. دولت عراق در آغاز سال تقریباً تمام اردوگاه‌های مختص آوارگان داخلی را بست و در نتیجه هزاران نفر را آواره یا بی‌خانمان کرد.

۱.۱۳ حقوق کارگران

مقامات در سرتاسر منطقه در زمینه حمایت از کارگران کم‌درآمد در برابر از دست‌دادن شغل یا کسر دستمزد که از جمله تأثیرات اقتصادی همه‌گیری کرونا بودند، مرتکب قصور شدند. دولت‌ها همچنین حق کارگران برای دست‌زدن به اعتصاب را سرکوب کرده و از کارگرانی که به خاطر شرکت در اعتصابات به طور ناعادلانه اخراج شده بودند حمایت نکردند. در مصر، مقامات همچنان کارگران را به دلیل ابراز عقاید یا به دلیل مخالف قلمداد کردن‌شان مجازات کردند. قانون جدید، اخراج اتوماتیک کارمندان بخش دولتی که در «فهرست تروریست‌ها» قرار داده شده‌اند را مجاز اعلام کرد، در حالی که یک دادگاه اخراج بدون پرداخت غرامت یک کارمند شرکت دولتی را که به دلیل «بیان علنی عقاید سیاسی» شغل‌اش را از دست داده بود، تایید کرد. با این همه، اصلاحاتی نیز برای بهبود حمایت از کارگران مهاجر به ویژه در چندین کشور حوزه خلیج فارس که بخش بسیار بالایی از نیروی کارشان را مهاجران تشکیل می‌دهند، صورت گرفت.

۱.۱۴ حقوق زنان و کودکان دختر

در سرتاسر منطقه، خشونت علیه زنان توسط نظام‌های عدالت کیفری عمدتاً بدون مجازات باقی ماند. قتل‌های موسوم به «ناموسی» همچنان در اردن، عراق، کویت و فلسطین رخ داد و مقامات برای محاکمه عاملان اقدامی انجام ندادند. قانون پیشنهادی در مورد رسیدگی به خشونت علیه زنان در ایران حاوی برخی بندهای مطلوب مانند ایجاد خانه‌های امن بود، اما خشونت خانگی را به عنوان یک جرم مستقل تعریف نکرد، تجاوز زناشویی و ازدواج کودکان را جرم‌انگاری نکرد و در موارد بروز خشونت خانگی مصالحه را به پاسخگویی ترجیح داد.

تحولات قانونی تازه در ایران حقوق باروری زنان را نیز بیش از پیش تضعیف کرده و دسترسی آن‌ها به وسایل پیشگیری از بارداری، خدمات عقیم‌سازی داوطلبانه و دسترسی به اطلاعات مرتبط را به شدت محدود کرد. در لیبی، مقامات در زمینه حفاظت از زنان و دختران در برابر تجاوز و سایر خشونت‌های جنسی و جنسیت-محور و همچنین قتل، شکنجه و سلب غیرقانونی آزادی آن‌ها توسط شبه‌نظامیان، گروه‌های مسلح و دیگر عناصر غیردولتی و جبران خسارت مرتکب قصور شدند. در یمن، مقامات حوثی کارزار بازداشت و ناپدیدسازی قهری زنان و کودکان دختر را دنبال کردند و آن دسته از زنان و دخترانی را که تصور می‌شد هنجارهای جنسیتی حوثی‌ها را به چالش می‌کشند، مورد هدف قرار دادند.

زنان در سرتاسر منطقه همچنان با تبعیض نهادینه‌های در قانون، از جمله در رابطه با ازدواج، طلاق، حضانت فرزندان و ارث مواجه بودند. علاوه بر این‌ها، در عربستان سعودی و ایران، آن‌ها از مشاغل و مناصب سیاسی محروم بودند. تغییرات قانونی پیشنهادی در قوانین احوال شخصیه در مصر، استقلال زنان را بیشتر تضعیف کرده و مقررات تبعیض‌آمیز را همچنان ابقاء کرد.

۱.۱۵ حقوق افراد همجنسگرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی

در سرتاسر منطقه، افراد همجنسگرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی (ال جی بی تی آی) بر اساس گرایش جنسی یا هویت جنسیتی واقعی یا مفروض خود با دستگیری و محاکمه کیفری و در مواردی، آزمایش مقعدی که مصداق شکنجه است، مواجه شدند. دادگاه‌های کیفری همچنان روابط جنسی رضایتمندانه میان افراد همجنس را جرم تلقی کردند و چه بر اساس قوانین عفت عمومی و چه قوانین ویژه، غالباً علیه مردان و گاهی علیه زنان حکم صادر نمودند. در مصر، دادگاهی چهار مرد را به دلیل داشتن روابط جنسی همجنسگرایانه به حبس‌هایی از ۶ تا ۹ سال محکوم کرد. مقامات همچنین در زمینه حمایت از افراد همجنسگرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی در برابر خشونت عوامل غیردولتی قصور کردند. مرد جوانی که خود را به عنوان یک همجنس‌گرای «غیرباینری» (خارج از دوگانه‌های جنسیتی) هویت‌یابی می‌کرد، در ایران به قتل رسید. کارت معافیت از سربازی او به این امر اشاره داشت که وی دارای «انحراف» است. دو افسر پلیس در تونس به بدر بابو، فعال حقوق جامعه همجنسگرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی و مسئول گروه شناخته شده‌ی مدافع حقوق ال جی بی تی آی، DAMJ، توهین کرده و او را با خشونت مورد حمله قرار دادند و با استفاده از الفاظ توهین‌آمیز به او گفتند که این ضرب و شتم انتقامی برای ثبت شکایت از پلیس و «دفاع از فاحشه‌ها» و همجنس‌گرایان است.

در اقدامی تا حدی مثبت، پارلمان مراکش قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن جنس تعیین شده در بدو تولد برای نوزادان «هرمافرودیت» (بیناجنسی) را می‌توان در مراحل بعدی زندگی تغییر داد، اما به افراد فراجنسیتی چنین اجازه‌ای داده نشد.

۱.۱۶ اقلیت‌های مذهبی و اتنیکی

در سرتاسر منطقه، اعضای اقلیت‌های هم در قانون و هم در عمل مذهبی با تبعیض‌های نهادینه از جمله در رابطه با حق خود برای عبادت مواجه شدند. در برخی کشورها، از جمله مصر و ایران، اعضای اقلیت‌های مذهبی و افراد متولد شده از والدینی که توسط مقامات به عنوان مسلمان شناسایی شده‌اند، به دلیل بیان اعتقاداتشان به مذهبی دیگر یا ابراز عقایدی که مورد تایید حکومت نیست، تحت محاکمه کیفری و بازداشت خودسرانه قرار گرفتند. در ایران، بر اساس قانون جدیدی که توهین به «ادیان الهی» یا «تبلیغ برای تغییر مذهب» را به حبس تا سقف پنج سال زندان محکوم می‌کند، سه نوکیش مسیحی محکوم شدند.

اقلیت‌های اتنیکی در ایران و لیبی با تبعیض مواجه شدند. این مسأله، دسترسی آن‌ها به مشاغل، مناصب سیاسی و خدمات ضروری از جمله آموزش و مراقبت‌های درمانی را محدود و حقوق زبانی و فرهنگی آن‌ها را نقض کرد. در لیبی، دانشجویان تابو در الکفره نمی‌توانستند به تنها دانشگاه شهر که در محله‌ای تحت کنترل گروه‌های مسلح رقیب قرار داشت دسترسی پیدا کنند. در ایران، اقلیت‌های اتنیکی به نسبت جمعیت‌شان بیشتر بر اساس اتهامات مبهمی مانند «محاربه» محکوم به اعدام شدند.

توصیه‌ها

مقامات باید اطمینان حاصل کنند که مراقبت‌های پزشکی، از جمله واکسن‌ها، بدون تبعیض ارائه شوند؛ از کارکنان بخش درمان به شکل مناسب محافظت شود و اعمال هرگونه محدودیت بر حقوق انسانی برای مقابله با همه‌گیری کرونا فقط در موارد کاملاً ضروری و به شکل متناسب صورت بگیرد.

دولت‌ها باید تمام تحقیقات و محاکمه‌های کیفری مربوط به بیان مسالمت‌آمیز را متوقف کرده، مقررات سلیقه‌ای که «توهین» را جرم می‌دانند لغو کنند و از افترا جرم‌زدایی نمایند. آن‌ها همچنین باید تعهدات خود در مورد احترام و تضمین حق دفاع از حقوق بشر را به رسمیت بشناسند و اطمینان حاصل کنند که مدافعان حقوق بشر بتوانند بدون خطر دستگیری و محاکمه خودسرانه، تهدید، حمله و آزار و اذیت به کارشان ادامه دهند.

دولت‌ها باید به جریان جنایت علیه پناهندگان و مهاجران پایان دهند. آن‌ها باید به حق پناهندگی احترام گذاشته و از آن محافظت کنند و به دستگیری و بازداشت خودسرانه‌ی پناهندگان و مهاجران که صرفاً بر اساس وضعیت مهاجرت آن‌ها صورت می‌گیرد پایان دهند. آن‌ها باید به طور کامل اخراج پناهندگان را خاتمه بدهند و اطمینان حاصل کنند که از آن‌ها در مقابل بازگرداندن اجباری محافظت می‌شود. دولت‌ها همچنین باید قوانین کار را به شکلی بسط بدهند که مشمول حال کارگران مهاجر، از جمله کارگران خانگی مهاجر، نیز بشود. آن‌ها همچنین باید سیستم کفالت را لغو کنند.

طرف‌های درگیر در منازعات مسلحانه باید قوانین بشردوستانه بین‌المللی را رعایت کنند و به ویژه به حملات مستقیم علیه غیرنظامیان یا زیرساخت‌های غیرنظامی و حملاتی که بین اهداف نظامی و غیرنظامی تمایز قائل نمی‌شوند، پایان ببخشند. قدرت‌های نظامی باید انتقال تسلیحات را در مواردی که این خطر به میزان قابل توجهی وجود دارد که از سلاح‌ها در نقض قوانین بین‌المللی استفاده شود، چنان‌که در درگیری‌های جاری در منطقه دیدیم، متوقف کنند.

مقامات باید اطمینان حاصل کنند که مأموران مجری قانون از استانداردهای بین‌المللی در مورد استفاده از سلاح گرم و سلاح‌های کم‌تر مرگبار پیروی می‌کنند. مقامات باید استفاده غیرقانونی از قوای قهریه را مورد تحقیق و بررسی قرار داده، مأموران را پاسخگو نگه داشته و از حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز حمایت کنند.

۲. ایران

هزاران نفر تنها به دلیل استفاده مسالمت‌آمیز از حقوق بشر خود بازجویی شده، به طور غیرمنصفانه تحت تعقیب قضایی قرار گرفته و یا بر خلاف ضوابط قانونی و معیارهای بین‌المللی بازداشت شدند، در حالی که صدها نفر تا پایان سال در حبس ناعادلانه ماندند. نیروهای انتظامی و امنیتی به طور غیرقانونی از قوای قهریه مرگبار و گلوله‌های ساچمه‌ای شکاری برای سرکوب اعتراضات استفاده کردند. زنان، اعضای جامعه همجنسگرا، دوجنسگرا، فراجنسیتی و بیناجنسی و اقلیت‌های اثنیکی و مذهبی همچنان با تبعیض و خشونت نهادینه مواجه بودند. قانون‌گذاری‌های جدید، حقوق جنسی و باروری، حق آزادی مذهب و عقیده و دسترسی به اینترنت را بیش از پیش تضعیف کردند. شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی، از جمله محروم کردن زندانیان از مراقبت‌های پزشکی مناسب، به شکل گسترده و نظام‌مند تداوم یافت. مقامات در تضمین دسترسی به موقع و عادلانه به واکسن‌های کرونا مرتکب قصور شدند. دستگاه قضایی به صدور مجازات‌های شلاق، قطع عضو و کور کردن چشم ادامه داد. مقامات از مجازات اعدام به طور گسترده و از جمله به عنوان وسیله‌ای برای سرکوب استفاده کردند. احکام اعدام پس از محاکمه‌های ناعادلانه صادر و به اجرا گذاشته شدند. مصونیت از مجازات در قبال جنایات علیه بشریت پیشین و جاری مربوط به کشتار مخالفان سیاسی زندانی در سال ۱۳۶۷ و سایر جرایم تعریف‌شده تحت قوانین بین‌المللی، به شکل سیستماتیک ادامه یافت.

۲.۱ پس‌زمینه

در نمودی آشکار از مصونیت سیستماتیک در ایران، ابراهیم رئیسی، رئیس سابق قوه قضائیه ایران، به جای این که برای جنایات علیه بشریت مربوط به ناپدیدسازی‌های قهری و اعدام‌های فراقضایی سال ۱۳۶۷ مورد تحقیق و پیگرد قرار بگیرد، در ماه ژوئن (خرداد ۱۴۰۰) به مقام ریاست جمهوری رسید.^۱

انتخابات ریاست‌جمهوری در فضایی توأم با سرکوب و با مشارکت بسیار اندک مردم برگزار شد. مقامات ایران، زنان، اعضای اقلیت‌های مذهبی و منتقدان حکومت را از نامزدی منع کرده و تهدید کردند که تشویق‌کنندگان به تحریم انتخابات تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

تحریم‌های جاری ایالات متحده آمریکا، همه‌گیری کرونا و فساد، بحران اقتصادی ایران را عمیق‌تر کرد، بحرانی که در تورم بالا، از دست رفتن مشاغل و دستمزدهای کم یا پرداخت نشده خود را نشان داد. این سال در حالی در اعتصابات و تظاهرات گذشت که مقامات در اولویت دهی به دستمزدهای مناسب، مسکن، مراقبت‌های پزشکی، امنیت غذایی و آموزش در بودجه‌های عمومی کشور قصور کردند.

کارشناسان محیط زیست از قصور مقامات کشور در رسیدگی به بحران زیست‌محیطی، که در از دست‌رفتن دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها، جنگل زدایی، آلودگی آب ناشی از رسوب فاضلاب خام و پسماندهای صنعتی، و نشست زمین متبلور شده، انتقاد کردند.

^۱ «ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی، نمودی فجیع از بحران مصونیت در ایران»، ۲۹ خرداد ۱۴۰۰

ایران به حمایت نظامی‌اش از نیروهای دولتی در درگیری نظامی در سوریه ادامه داد (به بخش سوریه مراجعه کنید).

در ماه فوریه (بهمن ۱۳۹۹)، دادگاهی در بلژیک، دیپلمات ایرانی اسدالله اسدی را به دلیل نقش وی در یک عملیات خنثی شده انفجار بمب در محل گردهمایی جمعی از گروه‌های مخالف سیاسی در تبعید در فرانسه در سال ۲۰۱۸، ۲۰ سال زندان محکوم کرد.

در ماه مارس (اسفند ۱۳۹۹)، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، مأموریت گزارشگر ویژه ایران را تمدید کرد. مقامات از ورود او، دیگر کارشناسان سازمان ملل و ناظران مستقل به ایران ممانعت کردند.

۲.۲ آزادی بیان، تشکل و تجمع

مقامات به سرکوب شدید حقوق آزادی بیان، تشکل و تجمع ادامه دادند. آن‌ها، احزاب سیاسی مستقل، اتحادیه‌های کارگری و نهادهای جامعه مدنی را غیرقانونی اعلام کرده، رسانه‌ها را سانسور و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای را مسدود کردند.

در ماه ژانویه (دی ۱۳۹۹)، مقامات رسانه‌ی اجتماعی سیگنال را به فهرست پلتفرم‌های مسدود شده اضافه کردند که شامل فیس‌بوک، تلگرام، توئیتر و یوتیوب می‌شود. مسئولان امنیتی و اطلاعاتی، افراد را به دنبال انتشار پست‌هایی در شبکه‌های اجتماعی که «ضد انقلابی» یا «ضداسلامی» می‌دانستند، به شکل خودسرانه (یعنی بر خلاف ضوابط و معیارهای بین‌المللی) دستگیر و بازداشت کردند.

مقامات در جریان تظاهرات و اعتراض‌های صورت گرفته در کشور، دسترسی به شبکه اینترنت را قطع کردند و در نتیجه، ابعاد تخلفات صورت گرفته توسط نیروهای امنیتی پنهان ماند. در ماه ژوئیه (تیر ۱۴۰۰)، مجلس به تدوین طرحی سرعت بخشید که انتظار می‌رود در سال میلادی ۲۰۲۲ تصویب شود و در صورت اجرایی شدن، تولید و توزیع ابزارهای دور زدن سانسور و فیلترینگ اینترنت را جرم‌انگاری کرده و نظارت را تشدید خواهد کرد.

چندین هزار مرد، زن و کودک تنها به دلیل استفاده مسالمت‌آمیز از حقوق انسانی خود در زمینه آزادی بیان، تشکل و تجمع بازجویی شده، به طور غیرعادلانه تحت تعقیب و محاکمه قرار گرفته و یا به طور خودسرانه بازداشت شدند. در میان آن‌ها معترضان خیابانی، روزنامه‌نگاران، مخالفان و دگراندیشان سیاسی، هنرمندان، نویسندگان، معلمان و دو تابعیتی‌ها دیده می‌شدند. در میان آن‌ها همچنین مدافعان حقوق بشر از جمله وکلا، مدافعان حقوق زنان، مدافعان حقوق جامعه همجنسگرا، دوجنسگرا، فراجنسیتی و بیناجنسی، مدافعان حقوق کارگردان، مدافعان حقوق اقلیت‌ها، مدافعان محیط‌زیست، فعالان حامی لغو مجازات اعدام و بستگان داغدار و دادخواه (از جمله خانواده‌های قربانیان اعدام‌های فراقضایی و ناپدیدسازی‌های قهری دهه‌ی شصت) وجود داشتند. تا پایان سال هم‌چنان صدها نفر به ناحق در زندان ماندند.

حبس خانگی و خودسرانه نامزدهای پیشین ریاست جمهوری، مهدی کروبی و میرحسین موسوی و هم‌چنین زهرا رهنورد، همسر میرحسین موسوی، پس از گذشت ۱۰ سال هم‌چنان ادامه یافت.

مخالفان سیاسی و روزنامه‌نگاران مستقر در خارج از کشور با تهدیدهای شدید مواجه شدند و به تلافی اقدامات آن‌ها،

خانواده‌هایشان در ایران مورد بازجویی و یا بازداشت خودسرانه قرار گرفتند.^۲ در ماه ژوئیه (تیر ۱۴۰۰)، مقامات دادستانی آمریکا، چهار مأمور ایرانی را به توطئه برای ربودن مسیح علی‌نژاد، روزنامه‌نگار ایرانی-آمریکایی، از داخل خاک ایالات متحده متهم کردند. در ماه اوت (مرداد ۱۴۰۰)، مقامات اطلاعاتی از بستگان ارسلان یاراحمدی، مدافع حقوق بشر کرد در تبعید، بازجویی و او را به مرگ تهدید کردند. حبیب کعب، مخالف سیاسی ایرانی-سوئدی و جمشید شارمهد، مخالف سیاسی ایرانی-آلمانی که قبلاً در خارج از کشور ربوده و به ایران بازگردانده شده بودند، همچنان در خطر مجازات اعدام ماندند.

نیروهای امنیتی برای سرکوب اعتراضات عمدتاً مسالمت‌آمیز از قوای قهریه غیرقانونی، از جمله شلیک گلوله‌های جنگی و ساچمه‌ای شکاری استفاده کردند. در ماه ژوئیه (تیر ۱۴۰۰)، حداقل ۱۱ نفر در جریان اعتراضات به کمبود آب در استان‌های خوزستان و لرستان به ضرب گلوله کشته و تعداد زیادی زخمی شدند.^۳ در روز ۲۶ نوامبر (۵ آذر ۱۴۰۰)، نیروهای امنیتی برای متفرق کردن اعتراضات شکل گرفته به سوءمدیریت آب در اصفهان، گلوله‌های ساچمه‌ای شلیک کردند که منجر به نابینایی یا وارد آمدن سایر جراحات جدی به چشم ده‌ها نفر از مردم، از جمله کودکان، شد. بیش از ۷۰۰ کارگر پتروشیمی به دلیل شرکت در اعتصاب‌های سراسری ماه ژوئن (خرداد ۱۴۰۰) به ناحق اخراج شدند.

۲.۳ شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی

شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی هم‌چنان به شکلی گسترده و نظام‌مند و به ویژه در جریان بازجویی‌ها به کار گرفته شدند. اظهاراتی که به عنوان «اعتراف» و زیر شکنجه از متهمان به دست آمده بود توسط صدا و سیما جمهوری اسلامی و سایر رسانه‌های حکومتی پخش شد و توسط دادگاه‌ها برای محکوم کردن متهمان مورد استفاده قرار گرفت.

مقامات زندان و دادرها که زیر نظر قوه قضائیه فعالیت می‌کنند، زندانیان را در شرایط ظالمانه و غیرانسانی نگه داشتند که مشخصه‌های بارز آن ازدحام بیش از حد جمعیت، وضعیت بهداشتی نامناسب، غذا و آب ناکافی، کمبود تخت، تهویه نامناسب هوا و آلودگی محیط به حشرات بود. آن‌ها همچنین بسیاری از زندانیان را از مراقبت‌های پزشکی مناسب محروم کردند و در نتیجه، خطر ابتلا به کووید-۱۹ را برای آن‌ها بیش‌تر کردند.

مقامات به طور فزاینده زندانیان عقیدتی زن را به زندان‌های دارای شرایط وخیم و دور از محل سکونت خانواده‌هایشان منتقل کردند تا از آن‌ها به خاطر اعتراض به نقض حقوق بشر از درون زندان انتقام‌جویی کنند.

تصاویر ویدئویی دوربین‌های مداربسته زندان اوین که در ماه آگوست (شهریور ۱۴۰۰) به بیرون درز کرد، مسئولان زندان را در حال ضرب و شتم، آزار جنسی و اعمال دیگر انواع شکنجه یا بدرفتاری علیه زندانیان نشان داد.^۴

حداقل ۲۴ زندانی در شرایط مشکوک درگذشتند و ادعا شد که شکنجه و دیگر آزارها از جمله محرومیت از دسترسی

^۲ "Iranian dissidents remain at risk worldwide without international action", 19 July 2021

^۳ "Iran: Security forces use live ammunition and birdshot to crush Khuzestan protests", 23 July 2021

^۴ "Iran: Security forces use ruthless force, mass arrests and torture to crush peaceful protest", 11 August 2021

^۴ «ویدئوهای درز کرده از اوین تصویری نادر از بیرحمی علیه زندانیان»، ۳ شهریور ۱۴۰۰

به خدمات پزشکی مناسب، در مرگ آن‌ها دخیل بوده است.^۵

مجازات‌هایی که نقض منع شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی محسوب می‌شوند، از جمله شلاق‌زدن، کور کردن، قطع عضو، مصلوب کردن و سنگسار، همچنان در قانون مجازات کشور حفظ شد. در ماه فوریه (بهمن ۱۳۹۹)، هادی رستمی به تلافی اعتصاب غذا در برابر تهدیدهای مکرر مبنی بر اجرای حکم قطع انگشتان دستش در زندان ارومیه ۶۰ ضربه شلاق خورد.

هادی عطازاده در ماه سپتامبر (شهریور ۱۴۰۰) پس از اعمال مجازات شلاق در زندان اهر جان باخت.

در ماه اکتبر (مهر ۱۴۰۰)، دادگاهی در تهران در رابطه با یک پرونده درگیری، مردی را به قصاص چشم (کور کردن یکی از چشمانش) محکوم کرد.

طبق یافته‌های بنیاد عبدالرحمن برومند، حداقل ۱۵۲ نفر محکوم به شلاق شدند.

۲.۴ تبعیض

۲.۴.۱ زنان و کودکان دختر

زنان، چه در قانون و چه در عمل، در ارتباط با ازدواج، طلاق، استخدام، ارث و دسترسی به مناصب سیاسی، با تبعیض روبرو بودند.

قوانین تبعیض‌آمیز حجاب اجباری منجر به آزار و اذیت روزمره، بازداشت خودسرانه، شکنجه و دیگر بدرفتاری‌ها، از جمله محرومیت از دسترسی به آموزش، کار و فضاهای عمومی شد. حداقل شش مدافع حقوق زنان به دلیل مبارزه علیه حجاب اجباری در زندان باقی ماندند.

در ماه نوامبر (آبان ۱۴۰۰)، مجلس با تصویب طرح «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» حقوق سلامت جنسی و باروری را بیش از پیش تضعیف کرد. به موجب مواد این قانون، مراکز درمانی دولتی اجازه ندارند خدمات پیش‌گیری از بارداری را به طور رایگان در اختیار مردم قرار دهند؛ داروخانه‌ها ملزمند قرص‌های ضدبارداری را فقط با ارائه نسخه پزشک بفروشند؛ و انجام عمل‌های وازکتومی و توبکتومی (بستن لوله‌ها) ممنوع است مگر در مواردی که بارداری برای مادر خطر جانی داشته باشد یا «ضرر مهم همچون عوارض جسمی جدی یا حرج (مشقت شدید غیرقابل تحمل) چه در دوران بارداری چه بعد از زایمان ایجاد کند و راه دیگری هم وجود نداشته باشد و دفع ضرر یا حرج مذکور با پیشگیری‌های موقت امکان‌پذیر نباشد.» این طرح هم‌چنین دسترسی به تست‌های غربالگری و تشخیصی پیش از تولد را محدود کرده است.

کمیسیون اجتماعی مجلس سرانجام و بعد از سالیان دراز کلیات لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت»، را در ماه جولای (مرداد ۱۴۰۰) و پس از بازنگری‌های واپس‌گرایانه توسط قوه قضائیه تصویب کرد. این لایحه که هنوز به تصویب نهایی نرسیده است، شامل موارد مثبتی مانند ایجاد کلانتری‌های ویژه و مراکز اسکان موقت

^۵ «بی‌عقوبت ماندن یک دهه مرگ در حین بازداشت؛ استمرار مصونیت سازمان‌یافته مرتکبان شکنجه از مجازات»، ۲۴ شهریور ۱۴۰۰؛ «اطلاعات مرتبط با مرگ ۷۲ نفر در حین بازداشت از سال ۲۰۱۰»، ۲۴ شهریور ۱۴۰۰

امن و تشکیل یک کارگروه ملی برای تهیه و تنظیم راهبردهای در راستای موضوع قانون می‌شود. با این حال، این لایحه خشونت خانگی را به عنوان یک جرم مجزا تعریف نکرده، تجاوز جنسی در روابط زناشویی و ازدواج کودکان را جرم‌انگاری نکرده و تضمین نکرده است که مردانی که زنان یا دختران خود را می‌کشند با مجازات‌های متناسب با جرم مواجه شوند. در موارد خشونت خانگی، این لایحه مصالحه و سازش را بر پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری ارجحیت داده است.

سن قانونی ازدواج برای دختران ۱۳ سالگی باقی ماند و پدران همچنان می‌توانستند مجوز قضایی برای ازدواج دختران‌شان در سنین حتی پایین‌تر دریافت کنند. بر اساس آمارهای رسمی، بین مارس ۲۰۲۰ تا مارس ۲۰۲۱ (سال ۱۳۹۹)، ازدواج ۳۱۳۷۹ دختر بین ۱۰ تا ۱۴ سال ثبت شد که نشان از افزایش ۱۰ و نیم درصدی نسبت به سال قبل دارد.

۲.۴.۲ افراد همجنسگرا، دوجنسگرا، فراجنسیتی و بیناجنسی

قتل علیرضا فاضلی منفرد در ماه می (اردیبهشت ۱۴۰۰)، که خود را به عنوان یک همجنس‌گرای خارج از دوگانه جنسیتی (غیرباینری) معرفی می‌کرد، نشان داد که چگونه جرم‌انگاری رفتارهای جنسی رضایت‌مندانه میان افراد همجنس و همین‌طور جرم‌انگاری اشکال بیان جنسیتی ناهمخوان با دوگانه‌های جنسیتی، با مجازات‌هایی نظیر شلاق و اعدام، به خشونت و تبعیض علیه اعضای جامعه همجنسگرا، دوجنسگرا، فراجنسیتی و بیناجنسی تداوم می‌بخشد.^۶

«درمان‌های اصلاحی» معطوف به از بین بردن همجنسگرایی و رفتارهای جنسیتی ناهمخوان با کلیشه‌های جنسیتی، که توسط حکومت تأیید شده و معادل شکنجه یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی هستند، همچنان رایج ماندند و حتی علیه کودکان به کار بسته شدند.

افرادی که بیان جنسیتی‌شان با دوگانه‌های جنسیتی همخوانی ندارد در معرض خطر مجرم‌پنداری باقی ماندند، مگر این که برای تغییر قانونی جنسی که در زمان تولد به آن‌ها نسبت داده شده بود اقدام می‌کردند که مستلزم انجام عمل‌های جراحی اندام جنسی و عقیم‌سازی اجباری بود.

سازمان نظام وظیفه به طبقه‌بندی همجنسگرایی به عنوان نوعی «انحراف» ادامه داد. کارت‌های معافیت سربازی صادر شده برای افراد همجنسگرا و فراجنسیتی به طور غیرمستقیم گرایش جنسی یا هویت جنسیتی آن‌ها را بدون رضایت‌شان فاش کرده و آن‌ها را در معرض خطر خشونت قرار می‌داد.

۲.۴.۳ اقلیت‌های اثنیکی

اقلیت‌های اثنیکی از جمله عرب‌های اهوازی، ترک‌های آذربایجانی، بلوچ‌ها، کردها و ترکمن‌ها مورد تبعیض قرار گرفته و از دسترسی برابر به تحصیل، اشتغال و مناصب سیاسی محروم ماندند. با وجود درخواست‌های مکرر برای ایجاد تنوع زبانی، زبان فارسی تنها زبان آموزشی در دوره‌های ابتدایی و متوسطه باقی ماند.

اقلیت‌های اثنیکی به نسبت جمعیت‌شان بیشتر از بابت اتهامات مبهمی مانند «محرابه» به اعدام محکوم شدند. مقامات تعدادی از کسانی که بر اساس چنین اتهاماتی محکوم شده بودند را مخفیانه اعدام کردند و محل دفن آن‌ها را از

^۶ «قتل جوان همجنس‌گرای ۲۰ ساله، فوریت حمایت قانونی از افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، ترنس‌جنس‌گرا و بیناجنس در ایران را برجسته می‌کند»، ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰.

خانواده‌های‌شان پنهان کردند. از جمله نمونه‌ها، اعدام مخفیانه چهار مرد عرب اهوازی در ماه مارس (اسفند ۱۳۹۹) و حیدر قربانی در ماه دسامبر (آذر ۱۴۰۰) بود.^۷ حداقل ۲۰ مرد کُرد بر اساس چنین اتهاماتی در صف اعدام باقی ماندند.

مقامات از خاتمه دادن به قتل کولبران غیرمسلح کُرد، که بین مناطق کردستان ایران و عراق تردد می‌کنند و همچنین سوخت‌بران غیرمسلح بلوچ در استان سیستان و بلوچستان و پاسخ‌گویی در قبال قتل ده‌ها تن از آن‌ها سرباز زدند.^۸

بیش از ۲۰۰ نفر از اعضای اقلیت کُرد، از جمله مخالفان سیاسی و فعالان جامعه مدنی، در دو موج دستگیری‌های خودسرانه در طی ماه‌های ژانویه (دی ۱۳۹۹) و بعد ژوئیه-آگوست (مرداد ۱۴۰۰) بازداشت شدند.^۹ اکثر آن‌ها پس از هفته‌ها یا ماه‌ها ناپدیدشدگی قهری یا بازداشت بدون حق ارتباط با جهان بیرون آزاد شدند، در حالی که تعدادی تا پایان سال در زندان ماندند و تعدادی دیگر به حبس محکوم شدند.

۲.۴.۴ اقلیت‌های مذهبی

اقلیت‌های مذهبی، از جمله بهائیان، مسیحیان، دراویش گنابادی، یهودیان، یارسان‌ها و سنی‌ها، هم در قانون و هم در عمل مورد تبعیض قرار گرفتند و از دسترسی برابر به آموزش، اشتغال، فرزندپذیری، مناصب سیاسی و اماکن عبادت محروم ماندند. آن‌ها همچنین به خاطر بیان ایمان و مذهب‌شان و یا عمل به آیین‌های مذهبی‌شان با بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها روبه‌رو شدند.

افرادی که از والدینی که توسط مقامات به عنوان «مسلمان» طبقه‌بندی و ثبت هویت شده متولد شده و به کیش دیگری درآمده یا خداناباور شده در معرض خطر بازداشت خودسرانه، شکنجه یا مجازات اعدام به اتهام «ارتداد» باقی ماندند.

اعضای اقلیت بهائی متحمل نقض گسترده و سیستماتیک حقوق انسانی‌شان شدند، از جمله بازداشت خودسرانه، شکنجه و دیگر بدرفتاری‌ها، ناپدیدسازی قهری، تعطیلی اجباری مشاغل و حرفه‌هایشان، مصادره اموال، تخریب خانه‌ها، تخریب گورستان‌ها، نفرت‌پراکنی از سوی مقامات رسمی و رسانه‌های حکومتی، و منع از تحصیلات عالی. در ماه آوریل (فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۰)، مقامات مانع از این شدند که بهائیان بتوانند عزیزان خود را در قطعات خالی در گورستانی مختص بهائیان در نزدیکی تهران دفن کنند و اصرار ورزیدند که عزیزانشان باید بین قبرهای موجود و یا در محل گورهای دسته‌جمعی مربوط به کشتار دگراندیشان سیاسی زندانی در ۱۳۶۷ در خاوران دفن شوند.^{۱۰} مقامات پس از اعتراض‌های عمومی این ممنوعیت را لغو کردند. در ماه ژوئن (تیر ۱۴۰۰)، نیروهای امنیتی حدود ۵۰ خانه متعلق به بهائیان در روستای ایول در استان مازندران را در راستای اقداماتی سابقه‌دار برای بیرون راندن آن‌ها از آن منطقه، تخریب کردند.

در ماه ژانویه (دی ۱۳۹۹)، مجلس با الحاق دو ماده به قانون مجازات اسلامی برای «توهین به قومیت‌های ایرانی، ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی» یا عضویت «در فعالیت‌های انحرافی آموزشی یا تبلیغی مغایر با اسلام»

^۷ ["Iran: Four Ahwazi Arab men secretly executed", 18 March 2021](#)

^۸ «قتل سوخت‌بران محروم باید تحت تحقیقات مستقل کیفری قرار گیرد»، ۱۲ اسفند ۱۳۹۹

^۹ «نیاز به اقدام فوری بین‌المللی برای آزادی فعالین کُرد و سایر قربانیان بازداشت‌های خودسرانه در ایران»، ۱۵ بهمن ۱۳۹۹

^{۱۰} «مقامات تخریب گورهای جمعی کشتار ۶۷ و نقض حق خاکسپاری محترمانه بهائیان را متوقف کنند»، ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

تا پنج سال مجازات حبس و یا جریمه نقدی تعیین کرد و از این طریق، حق آزادی مذهب و عقیده را بیشتر تضعیف کرد. در ماه جولای (تیر ۱۴۰۰)، سه نوکیش مسیحی بر همین اساس به حبس‌های طولانی محکوم شدند.

تعدادی از درویش گنابادی هم‌چنان ناعادلانه در زندان ماندند. حبس بعضی از آنها در ارتباط با اعتراضات مسالمت‌آمیزی بود که به شکلی خشونت‌بار در سال میلادی ۲۰۱۸ (۱۳۹۶) سرکوب شد. یکی از آنها به نام بهنام محجوبی در ۲۱ فوریه (۲۸ بهمن ۱۳۹۹) و بعد از ماه‌ها شکنجه و دیگر آزارها، از جمله محرومیت از دسترسی به مراقبت‌های درمانی مناسب، در زندان درگذشت.

مقامات ایران هم‌چنان به یورش به کلیساهای خانگی ادامه دادند.

۲.۵ حق سلامت

واکنش مقامات به همه‌گیری ویروس کرونا توأم با عدم شفافیت و عدم رسیدگی به کمبود واکسن، تخت بیمارستان، تجهیزات تنفسی و کادر درمان و پرستار بود.

ایران برنامه واکسیناسیون کرونا را در ماه فوریه (بهمن ۱۳۹۹) آغاز کرد، اما با توجه به دستور رهبر جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ممنوعیت واردات واکسن‌های تولید شده در بریتانیا و آمریکا، تا ماه اوت (مرداد ۱۴۰۰) فقط کمتر از ۶ درصد از جمعیت واکسینه شده بودند. به دنبال لغو این ممنوعیت در ماه اوت، بیش از ۸۰ درصد از جمعیت یک دوز واکسن تا پایان سال دریافت کردند.

مقامات در زمینه تدوین یک راهبرد سراسری برای تضمین دسترسی به موقع و برابر به واکسن کرونا برای هزاران نفر از اتباع افغانستانی فاقد مدارک اقامتی مرتکب قصور شدند اما در بعضی استان‌ها، از ماه اکتبر (مهر ۱۴۰۰)، مقامات محلی مراکز ویژه واکسیناسیون برای این افراد ایجاد کردند.

در برخی شهرها، گروه‌های سیار واکسیناسیون به سکونت‌گاه‌های غیررسمی و مناطق درگیر با بی‌خانمانی اعزام شدند، اما در سطح ملی، دسترسی به واکسن برای افراد محروم هم‌چنان نامناسب باقی ماند.

واکسیناسیون زندانیان تا ماه اوت (مرداد ۱۴۰۰) آغاز نشد.

در ماه اوت (مرداد ۱۴۰۰)، شش نفر از فعالان و حقوق‌دانان که تنها برای گفتگو در مورد طرح شکایت حقوقی در ارتباط با قصور مقامات در زمینه فراهم آوردن دسترسی به واکسن کرونا دور هم جمع شده بودند، به طور خودسرانه دستگیر شده و با اتهامات واهی مرتبط با امنیت ملی در ماه اکتبر (آبان ۱۴۰۰) محاکمه شدند.

۲.۶ مجازات اعدام

مجازات اعدام پس از محاکمه‌های ناعادلانه صادر شد، از جمله برای جرائمی مانند قاچاق مواد مخدر و فساد مالی که در تعریف «جدی‌ترین جنایات» (یعنی جرایمی که در جریان آن قتل عمد صورت گرفته باشد) نمی‌گنجد و همین‌طور برای اعمالی که در سطح بین‌المللی از اساس به عنوان جرم شناخته نمی‌شوند. از مجازات اعدام همچنین به عنوان سلاحی برای سرکوب معترضان، مخالفان سیاسی و اقلیت‌های اثنیکی استفاده شد.

یوسف مهرداد و سعدالله فاضلی در اراک به اتهام «سب‌النبی» (توهین به پیامبر اسلام) به مرگ محکوم شدند.

سجاد سنجری که در زمان دستگیری ۱۵ سال داشت و آرمان عبدالعالی که در زمان دستگیری ۱۷ سال داشت به ترتیب در ماه‌های اوت (مرداد ۱۴۰۰) و نوامبر (آذر ۱۴۰۰) اعدام شدند. بیش از ۸۰ نفر در ارتباط با جرائمی که در زمان وقوع‌شان کودک بودند (یعنی زیر ۱۸ سال سن داشتند) در صف اعدام باقی ماندند.

۲.۷ مصونیت مسئولان نقض حقوق بشر از مجازات

مقامات به کتمان تعداد واقعی کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ ادامه دادند، شکایات خانواده‌های کشته‌شدگان را رد کردند و از نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به خاطر ایفای نقش در این سرکوب علنا تجلیل کردند. در طول سال، نیروهای امنیتی تجمعات صلح‌آمیز خانواده‌های دادخواه را سرکوب و متفرق کردند، آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار دادند و به طور موقت بازداشت کردند. منوچهر بختیاری، پدر یکی از معترضان کشته شده، در ماه آپریل (اردیبهشت ۱۴۰۰) بازداشت شد و در ماه ژوئیه (تیر ۱۴۰۰) به خاطر اعتراض علنی به مصونیت به حبس محکوم شد.

در ماه اوت (مرداد ۱۴۰۰)، محاکمه حمید نوری، که پیشتر در سوئد به اتهام دست داشتن در کشتار دگراندیشان و مخالفان سیاسی زندانی در سال ۱۳۶۷ دستگیر شده بود، بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی آغاز شد. مطابق با الگوهای مسبوق به سابقه انکار و تحریف، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران این محاکمه را «یک طراحی» ساخته و پرداخته‌ی «تروریست‌ها» که بر «مستندسازی و شاهدسازی دروغی» تکیه دارد، توصیف کرد.

مقامات همچنان به کتمان حقایق پیرامون سرنگونی پرواز ۷۵۲ در ژانویه ۲۰۲۰ (دی ۱۳۹۸) توسط سپاه پاسداران که منجر به کشته شدن ۱۷۶ نفر شد، ادامه دادند. بستگان داغ‌دیده و جوایب عدالت و حقیقت همچنان از سوی مقامات مورد آزار و اذیت، بازداشت خودسرانه، شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترذیلی قرار گرفتند. در ماه نوامبر (آذر ۱۴۰۰)، پیگرد قضایی ۱۰ مقام رده پایین در دادگاه نظامی در تهران پشت درهای بسته آغاز شد در حالی که بستگان کشته‌شدگان نسبت به مصون ماندن مقامات ارشد نظامی و اجرایی از پیگرد قضایی و مجازات معترض بودند.

**عفو بین الملل یک جنبش جهانی
برای احقاق حقوق بشر است.
بی عدالتی در حق یک نفر
مسأله همه ماست.**

عفو بین الملل

info@amnesty.org



www.facebook.com/AmnestyGlobal



+44 (0)20 7413 5500



@Amnesty



گزارش سالانه حقوق بشر؛ ایران و خاورمیانه و شمال آفریقا

سال میلادی ۲۰۲۱

در دومین سال همه‌گیری کرونا، به استثنای چند کشور عربی حوزه خلیج فارس، دولت‌های منطقه همچنان در اولویت‌دهی به مراقبت‌ها و خدمات درمانی مناسب، به ویژه دسترسی به واکسیناسیون، قصور کردند.

حق آزادی بیان تحت محدودیت‌های شدید باقی ماند و دولت‌ها با طرح لوایح جدید سعی کردند بیش از پیش استفاده از حق آزادی بیان را جرم‌انگاری کنند. دولت‌ها به سانسور اینترنت و سرمایه‌گذاری در تجهیزات نظارتی دیجیتال ادامه دادند. مدافعان حقوق بشر با تعقیب کیفری، زندان، محدودیت‌های اداری، تهدید و ارباب مواجه بودند. سازمان‌های مدنی شاهد جرم‌انگاری فعالیت‌هایشان بودند. در سرتاسر منطقه، نیروهای امنیتی از قوای قهریه غیرقانونی برای سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز استفاده کردند. ازدحام بیش از حد و شرایط غیربهداشتی زندان‌ها، زندانیان این منطقه را در معرض خطر بالای ابتلا به بیماری کووید-۱۹ قرار داد، وضعیتی که در نتیجه مراقبت‌های درمانی ناکافی، شکنجه و سایر بدرفتاری‌های رایج در زندان‌ها تشدید شد.

اعضای نیروهای امنیتی، شبه‌نظامیان و گروه‌های مسلح که بنا بر دلائل معقول، مظنون به ارتکاب جنایات بین‌المللی و نقض جدی حقوق بشر هستند همچنان از پیگرد قضایی و مجازات مصون ماندند. طرف‌های درگیر در نزاع‌های مسلحانه، مرتکب جنایات جنگی و سایر موارد نقض جدی قوانین بین‌المللی شدند.

مقامات، اغلب بدون توجیه قانونی، به دستگیری و بازداشت پناهندگان و مهاجران برای مدت‌های طولانی و بدون محدودیت زمانی ادامه دادند. اردن و لبنان همچنان میزبان بیش از ۳ میلیون پناهنده از سوریه بودند، اما هزاران نفر از این پناهندگان اخراج شده و یا به دلیل طیفی از فشارهایی که به آن‌ها وارد شد به کشورشان بازگشتند. در سرتاسر منطقه، مقامات در زمینه حفاظت از کارگران کم‌درآمد در برابر خطر از دست‌دادن شغل یا دستمزد قصور کردند. کارگران مهاجر به طور ویژه آسیب‌پذیر بودند، به خصوص به دلیل وجود نظام «کفالت» در بسیاری کشورها که اقامت کارگر مهاجر در کشور مهمان را به اشتغال وی وابسته می‌کند.

مرتکبان آزار و اذیت جنسی، قتل‌های به اصطلاح «ناموسی» و سایر موارد خشونت علیه زنان همچنان از پیگرد قضایی و مجازات مصون ماندند و عدم تعهد دولت‌ها به پاسخگو کردن مرتکبان ادامه یافت. مقامات حقوق انسانی افراد همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، فراجنسیتی و بیناجنسی را به شدت سرکوب کردند. بسیاری به دلیل گرایش جنسی یا هویت جنسیتی واقعی یا مفروض‌شان دستگیر شده و برخی از مردان تحت معاینه اجباری مقعدی قرار گرفتند.

در سرتاسر منطقه، اعضای اقلیت‌های مذهبی و اثنیکی با تبعیض نهادینه مواجه بودند.